

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۱۱

ترکیب بهینه تدریس و پژوهش: تحول لازم در آموزش حسابداری

دکتر شکراله خواجهی / استادیار دانشگاه شیراز
شعله منصوری

چکیده

اطلاعات حسابداری یکی از انواع مهم اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان است. این اطلاعات نقش با اهمیتی در پایداری توسعه بنگاه‌های اقتصادی ایفا می‌کند. حرفه حسابداری و حسابداران به عنوان تولیدکنندگان و اعتباردهندگان به این اطلاعات از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد و صنعت برخوردارند. امروزه با تحولات اقتصادی کشورها تخمینهای حسابداری، ارزیابی‌های ریسک و قضاوت‌های حرفه‌ای در مقایسه با دوره‌های گذشته از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. توسعه اقتصادی، تقاضای نیروی کار را از حسابداران و حسابرسان ابتدایی به سمت کسانی سوق می‌دهد که می‌دانند چگونه از اطلاعات حسابداری استفاده کنند و چگونه اطلاعات را برای استفاده‌کنندگان تولید، کنترل و تهیه نمایند. در این میان، آموزش حسابداری از اهمیتی ویژه برخوردار است که آثار اقتصادی آن قابل وصف نیست. در واقع نتایج حاصل از آموزش حسابداری به عنوان اهرمی خواهد بود که ارتقای مدیریت جامعه و توسعه اقتصادی را در بر خواهد گرفت. یکی از موضوعات مورد بحث در مجامع دانشگاهی، تقابل تدریس و پژوهش است. موفقیت بلندمدت دانشگاهها به توانایی آنان در طراحی برنامه‌های درسی و پژوهشی بستگی دارد؛ به طوری که ذخیره انسانی فعلی و آتی دانشگاهها را بهینه و متعادل کند.

واژگان کلیدی: آموزش حسابداری، تدریس، پژوهش، دانش حسابداری

مقدمه

امروزه با جهانی شدن اقتصاد، تحولات فناوری و گسترش روزافزون کسب و کار، اطلاعات حسابداری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردیده است. حرفه حسابداری نقش محوری در رونق اقتصاد و گردش ثروت و سرمایه ایفا می‌کند. سرمایه‌گذاران جهت تصمیم‌گیری‌های مالی خود نیازمند اطلاعات دقیق مالی هستند و این نمادی از مدیریت مطلوب یک سازمان است. در این میان حسابداران به عنوان یکی از زیرساخت‌های مهم حیات اقتصادی مطرح می‌گردند.

پیدایش عصر انقلاب ارتباطات و مفاهیم نوین در حسابداری، ضرورت بهبود مهارت‌های تخصصی دانشجویان حسابداری و نیز شاغلان حرفه در استفاده از نوآوری‌های نوین در کنار فنون موجود را به عنوان موضوعی درخور توجه مطرح نموده است. این امر ضرورت ایجاد تغییرات بنیادی در آموزش جهت پاسخگویی به نیازهای حاصل از عصر جدید را ایجاد نموده است.

امروزه حسابداران حرفه‌ای در محیط‌هایی به فعالیت مشغول می‌باشند که علاوه بر پیچیدگی، دائماً در حال تغییر است. (عرب‌مازار یزدی و طایفی نصرآبادی، ۱۳۸۷) حسابداران از ثبت‌کننده و نگهدارنده عملیات واحد تجاری به خالق اطلاعات مالی برای تهیه و تفسیر اطلاعات متنوع برای استفاده‌کنندگان متفاوت داخلی و خارجی از اطلاعات‌های تبدیل شده‌اند (آلبرت و ساک، ۲۰۰۰). تجدیدنظر و اصلاح سیستم‌های اقتصادی عامل اصلی تحولات فوق می‌باشد. آموزش حسابداری موضوعی است که تحت تاثیر اقتصاد، فناوری، اجتماع و عوامل فرهنگی در یک کشور قرار می‌گیرد (لین و همکاران ۲۰۰۵).

نظام حسابداری تنها یک سیستم اطلاعاتی نیست، بلکه نظام انسانی نیز هست و آن چه اهمیت دارد فایده‌مندی نظام حسابداری به عنوان یک کل است (باباجانی و پوریان‌سب، ۱۳۸۳) و فایده‌مندی نظام حسابداری در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی با حضور حسابدار تحقق می‌یابد. ارتقای توان حرفه‌ای حسابدار و استفاده از پیشرفت‌های حسابداری به حسابدار امکان عرضه اطلاعات به صورت مطلوب‌تر و اثربخش‌تر را فراهم می‌آورد و این امر با ارتقای سطح دانش، آموزش و تحقیقات حسابداری و ایجاد تعامل مناسب میان دو حوزه آموزش و پژوهش تحقق می‌یابد.

دانش حسابداری و ضرورت بازبینی در آموزش حسابداری

از دیدگاه کینی (۲۰۰۱)، سه اصل ضروری برای دانش حسابداری عبارتند از:

۱) ارتباط مجموعه‌ای از اندازه‌گیری‌های استاندارد شده برای مجموعه متنوعی از تصمیماتی که تصمیم‌گیرندگان اتخاذ می‌کنند.

۲) دقت و توجه به کاربردهای معیارهای اندازه‌گیری

۳) قابلیت اطمینان^۲ ابزارهای اندازه‌گیری

وی سه اصل فوق را در چهار فعالیت عینی و زنجیره‌ای کاربردی می‌کند:

الف) انتخاب یک ساختار اندازه‌گیری استاندارد شده

ب) کاربرد این ساختار برای واحدهای تجاری مخصوص

ج) سفارشی کردن^۳ اطلاعات برای تصمیم‌گیری‌های خاص

د) تصمیم‌گیری و پیامدها

به اعتقاد کینی حسابداران حرفه‌ای معمولاً دو فعالیت نخست و سایرین سومین فعالیت را انجام می‌دهند. غیر حسابداران نوعاً تصمیماتی اتخاذ می‌کنند که این تصمیمات بالطبع نتایج را تحت تاثیر قرار می‌دهند. اساتید حسابداری هر سه اصل و هر ۴ فعالیت و اثرات متقابلشان را مطالعه می‌کنند، لذا انتخاب یک ساختار اندازه‌گیری استاندارد شده و فهم پیامدهای آن برای دانش حسابداری ضروری است (کینی، ۲۰۰۱).

تعریف کمیته Elliot از "خدمات اطمینان بخش" خدمات وسیعتری نسبت به آنچه موسسات حسابرسی فراهم می‌کنند، است و آنچه حسابداران مالی، مدیریت و حسابداران مالیاتی (و حسابرسان) انجام می‌دهند را نیز در بر می‌گیرد. این امر بیشتر حوزه اختصاصی دانش حسابداری را تحت پوشش قرار می‌دهد. "خدمات اطمینان بخش" خدمات حرفه‌ای مستقلی هستند که کیفیت اطلاعات، یا محتوای آن را برای تصمیم‌گیرندگان افزایش می‌دهند.

حسابداری را می‌توان دانشی تعریف نمود که به جمع‌آوری، ثبت، انباشت و پردازش داده‌های خام جهت تهیه اطلاعات مورد نیاز تصمیم‌گیرندگان می‌پردازد و به موقع بودن و قابلیت اتکای اطلاعات در زمان موردنظر از ویژگی‌های مهم این اطلاعات است (رومنی و استین بارت، ۲۰۰۹). کیفیت اطلاعات با مربوط بودن به تصمیم خاص و تصمیم‌گیرنده و قابلیت اطمینان آن سنجیده می‌شود، در حالی که محتوای اطلاعات، فاکتورهای پیرامون یک تصمیم را نشان می‌دهد که شامل دانش و قدرت تصمیم‌گیرنده و تابع مطلوبیت تصمیم‌گیرنده است.

اطلاعات حسابداری یکی از انواع مهم اطلاعات برای تصمیم‌گیرندگان است. تقریباً همه متخصصان

حسابداری درگیر "خدمات اطمینان بخش" هستند. بعضی از حسابداران کیفیت اطلاعات را با توسعه معیارهای حسابداری استاندارد (سنجش مالی^۴) بهبود داده تا در طول زمان در واحدهای متعدد (یک معیار مناسب برای همه) برای کسب اطلاعات مربوط برای استفاده کنندگان به کار برده شود. حسابداران دیگر، معیار و ساختار باقیمانده برای معاملات، وقایع و شرایط خاص را برای یک واحد تجاری مخصوص به کار می‌گیرند و با وجود این حسابرسان مستقل کنترل می‌کنند که آیا روش‌ها با محدودیت‌های تعیین شده به کار گرفته شده‌اند؟ و در نهایت بسیاری از حسابداران و سایرین، معیارهای مالی استاندارد و سایر اطلاعات را به شکل مربوط تر برای یک تصمیم و تصمیم‌گیرنده خاص سفارش می‌کنند.

مدیریت به عنوان یک تصمیم‌گیرنده اصلی جهت کسب اطلاعات در مورد واحد تجاری و ارتقای سطح عملکرد آن، اطلاع‌رسانی به دیگران در مورد هزینه‌های پایین سرمایه، تحصیل، توزیع و فروش و تبعیت از قوانین، مقررات یا قراردادهایی که افشا و شناسایی داده‌های واحد تجاری خاص را تصریح می‌کند، به خدمات حسابداری نیاز دارد. بنابراین اطلاعات با کیفیت و خدمات اطمینان بخش از هر دو جنبه داخلی و خارجی، برای مدیریت ارزش زیادی دارد.

بیشتر استفاده کنندگان خارجی اطلاعات حسابداری، نمی‌توانند در واحد تجاری معیار سنجش و یا حسابرس انتخاب کنند، با این حال آنان باید اطمینان داشته باشند که اندازه‌گیری‌ها مربوط هستند و تحت مسئولیت و اعتبار کار حسابرسان مجاز باید مطمئن باشند که واحد تجاری اصول پذیرفته شده حسابداری را درست و کامل بکار برده و صورت‌های مالی از اعتبار لازم برخوردارند. بنابراین تدوین کنندگان استاندارد، مدیران و حسابرسان به کیفیت ساختار سنجش مالی استاندارد توجه دارند و اعمال این معیارها موجب دستیابی استفاده کنندگان به اطلاعات معتبر می‌گردد.

سفارشی کردن و تهیه اطلاعات متفاوت برای استفاده گروه‌های مختلف، موجب افزایش کیفیت اطلاعات برای تصمیم‌گیری مدیریت در حوزه‌های کنترل داخلی، حسابداری مدیریت و برنامه‌ریزی مالیاتی در سازمان می‌شود. مشاوران خارجی از این امر جهت ارائه مشاوره در معاملات، برنامه‌ریزی و ارزیابی ریسک استفاده می‌نمایند. تحلیل‌گران و مشاوران سرمایه‌گذاری، اطلاعات صورت‌های مالی را با سایر اطلاعات ترکیب می‌کنند تا سود را پیش‌بینی کرده و اطلاعاتی تولید کنند که به سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خرید، فروش و یا نگهداری اوراق بهادار کمک نماید.

با نگاهی به آنچه درباره حوزه دانش حسابداری بیان شد، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که

انتخاب ساختار سنجش استاندارد برای دانش حسابداری امری محوری محسوب می‌گردد.

تغییر در محیط اندازه‌گیری می‌تواند چندین مفهوم مهم برای دانش حسابداری در بر داشته باشد: ۱. تخمین‌های حسابداری، ارزیابی‌های ریسک و قضاوت‌های حرفه‌ای امروزه در مقایسه با گذشته نقش پررنگ‌تری را به خود گرفته است. حسابداران این تخمین‌ها و ارزیابی‌ها را بهبود می‌دهند. ما در مورد اینکه چه طور در مورد مقادیر نامطمئن تخمین بهتری داشته باشیم و چگونه ریسک وقایع نامطلوب آتی را بهتر ارزیابی و گزارش کنیم، دانش اندکی داریم. به‌علاوه بسیاری از دانشگاه‌ها امکانات آموزشی کافی برای اینکه به دانشجویان اجازه بدهند قضاوت حرفه‌ای و فنون تصمیم‌گیری خود را توسعه دهند، فراهم نمی‌آورند.

۲. چندین سؤال مهم ولی آزمون نشده برای سطوح کلان تحقیقات دانشگاهی حسابداری وجود دارد. به استثنای اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی که بر مبنای اصول پذیرفته شده حسابداری ارائه می‌شود، حرفه حسابداری حکمی از سوی دولت نداشته است، در حالی که رقابت برای اندازه‌گیری و تفسیر ارزیابی‌های مالی و غیر مالی عملکرد در حال افزایش است، حسابداران برای کسب موفقیت در بازار باید اهل رقابت باشند. آیا یک سیستم بر مبنای اصول پذیرفته شده حسابداری می‌تواند بدون یک حکم، با سایر معیارهای اندازه‌گیری رقابت کند؟ حسابداران چگونه می‌توانند با غیر حسابداران در خدمات مشاوره‌ای رقابت کنند؟

می‌دانیم که فناوری اطلاعات به سازمان‌ها اجازه می‌دهد که فرایندهای تجاری و اطلاعاتی را به صورت الکترونیکی انجام دهند. هزینه‌ی کمتر اطلاعات به حسابداران و سایرین اجازه می‌دهد که عناصر غیر مالی را اندازه‌گیری کرده تا معیارهای مالی جایگزین را توسعه داده و کنترل بر پردازش اطلاعات را خودکار کنند. این تغییرات مسیر تمرکز حساب‌رسان را از بازرسی و تصحیح به جلوگیری از ارائه‌های نادرست سوق می‌دهد.

در سیستم حسابداری بهنگام و الکترونیکی، اغلب اطلاعات مالی و شواهد حسابرسی تنها به صورت الکترونیکی در دسترس قرار می‌گیرد. اسناد و مدارک اولیه سنتی و دستی با پیام‌های الکترونیکی جایگزین می‌شوند. داده‌های زیر بنایی حسابداری از قبیل دفتر روزنامه، کل و جداول به شکل‌های الکترونیکی و یا به صورت برنامه‌ها وجود دارد (مهدوی و کاظم نژاد، ۱۳۸۸).

در مجموع این تغییرات تقاضای نیروی کار را از حسابداران و حساب‌رسان ابتدایی که معیارهای رعایت اصول پذیرفته شده حسابداری را را به کار گرفته و حسابرسی می‌کنند، به سمت کسانی سوق

می‌دهد که کنترل‌های جامع و پیشگیرانه و سیستم‌های پردازش را توسعه می‌دهند. همچنین تمایل به کسانی که می‌توانند اطلاعات موجود در سنجش‌های مالی استاندارد را تفسیر کنند، وجود دارد. علاوه بر این افزایش تقاضا برای مدیران و سایر تصمیم‌گیرندگانی که می‌دانند از اطلاعات حسابداری چگونه استفاده کنند و چگونه اطلاعات را برای استفاده‌گندگان کنترل نمایند، وجود دارد. پس ما مجبوریم آموزش حسابداری را به سمت آنچه باید در اختیار طراحان سیستم‌های اطلاعاتی، سفارش‌دهندگان، مدیران و سایر تصمیم‌گیرندگان قرار دهیم، تغییر جهت دهیم (پرویتز، ۱۹۹۱). به دنبال این تغییرات در تقاضای نیروی کار ضرورت بازنگری در آموزش حسابداران بیش از پیش احساس می‌شود. آموزش حسابداری از چنان اهمیتی برخوردار است که آثار اقتصادی آن قابل وصف نیست، چرا که نتایج آن به عنوان اهرمی است که ارتقای مدیریت جامعه و توسعه اقتصادی را در بر خواهد گرفت.

آموزش حسابداری فراهم آورنده آن دسته از کارگزاران (کارکنان)، دانش و اطلاعاتی است که شایستگی بهبود پویا و مستمر این نظام علمی و طراحی، استقرار و نگهداری سیستم‌های حسابداری را داشته باشد (عرب مازار یزدی، ۱۳۸۲).

در حال حاضر حسابداری به عنوان یک رشته کاربردی-تکنیکی (حسابرسی، گزارشگری مالی، مدیریت، مالیاتی و...) تدریس می‌شود که با تأکید ناچیزی بر کاربرد صنعت خاص، پیروی می‌کند. امروزه با توجه به حضور پر رنگ صنعت در اقتصاد و سرعت روز افزون فناوری و تکنیک‌های کاربردی، لزوم پژوهش در زمینه پیشرفت‌های این علوم و تاثیر آن‌ها در بهبود کیفیت عرضه اطلاعات و گزارشگری، کاربرد تأثیر چشمگیر این تحولات بر برنامه‌های آموزشی حسابداری در جهت توسعه برنامه‌های آموزشی حسابداری ضروری به نظر می‌رسد.

اصلاح آموزش بدون حمایت وسیع اجتماعی و سازمانی، محدود و ناکارآمد خواهد بود. اساتید، متخصصان و مؤسسات دانشگاهی برای توسعه یکنواخت، مناسب و اثربخش سیستم‌های آموزشی نیاز به همکاری و مشارکت دائم با یکدیگر دارند. چالش عمده‌ای که امروز پیش روی حرفه حسابداری است، ساختاردهی مجدد آموزش حسابداری می‌باشد. وضعیت کنونی اکثر برنامه‌های آموزش حسابداری حرفه‌ای، برای برآوردن نیازهای این حرفه توسعه یافته، کافی نمی‌باشد. انجمن حسابداری آمریکا خاطر نشان می‌نماید که تغییرات در آموزش حسابداری در طی پنجاه سال گذشته در حرفه حسابداری هماهنگ نبوده است. این انجمن معتقد است که آموزش حسابداری بایستی به جای

فلسفه "انتقال دانش" فلسفه "آموزش جهت یادگیری" را اشاعه نماید. استفاده از فلسفه "آموزش" بدین مفهوم است که آموزش حسابداری سطح دانشگاهی مبنایی را ارائه خواهد داد که می‌توان بر اساس آن آموزش موثر و کارا در حرفه را ارائه نمود. این فرایند دارای سه جزء بوده که عبارتند از: مهارت‌ها، دانش‌ها و آشنایی حرفه‌ای. بخش مهارت‌ها به افراد اجازه می‌دهد تا مهارت‌ها و مبنای دانش جدیدی را توسعه داده، اطلاعات را به افراد و گروه‌ها انتقال داده و مشکلات ساختاری را شناسایی و حل نماید. بخش دانش، فرد را برای درکی عمومی از وابستگی‌های متقابل و پیچیده بین افراد، گروه‌ها و جامعه و درکی از مفاهیم تغییر تکنولوژی و درکی پایه از حسابداری، به عنوان یک سیستم انتقال اطلاعات آماده می‌کند. و بخش حرفه‌ای به افراد اجازه می‌دهد تا در مورد مباحث حسابداری به صورت حرفه‌ای قضاوت نمایند.

مطالعات زیادی در مورد کیفیت دوره تحصیلی رشته حسابداری انجام شده است. برای نمونه کینی آموزش حسابداری دوره لیسانس خود را ۲۵ سال بعد از فارغ التحصیلی اش بررسی نموده است. او معتقد است که اصلی‌ترین ناکارآمدی آموزش حسابداری نادیده گرفتن مباحث جدی در مورد حسابداری به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی است. دلیل وجود حسابداری تمایل مردم به اطلاعات تهیه شده درباره فعالیت‌های اقتصادی توسط مؤسسه می‌باشد. تحصیلات حسابداری به جای اینکه بر دانش جزئی مقررات گزارش‌دهی تمرکز نماید، باید بر انتقال درکی از فرایند حسابداری و چگونگی توسعه این مقررات تمرکز و تاکید داشته باشد. استدلال او این است که شاغلان آینده حسابداری نیازمند درکی از تغییراتی که در حرفه حسابداری رخ خواهد داد هستند و نیازمندند که در معرض پویایی‌های حسابداری قرار گیرند. وی معتقد است که تجربه آموزشی دانشجو باید دربرگیرنده میزان محدودی از دوره‌های کارآموزی حسابداری نیز باشد تا از انعطاف‌پذیری برای مهارت‌های کاری اطمینان دهد. او معتقد است اگر دانشجویان حسابداری دوره‌های جامعه‌شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی، تاریخ و اقتصاد را بگذرانند، این دوره‌ها به آنان زمینه‌ای جهت درک حسابداری "جهان واقعی" می‌دهد. افزایش الزامات آموزشی حسابداری، لزوماً موجب بهتر شدن دانش و مهارت حسابداری نمی‌گردد، زیرا افزایش حجم یک دانش لزوماً موجب بهتر شدن کیفیت آن نمی‌گردد، اما استفاده کارا از الزامات حسابداری موجود و تلفیق اثربخش آن با مفاهیم کلیدی توسعه یافته در افزایش دانش و مهارت حسابداران تاثیر بسزایی دارد (کینی، ۲۰۰۱).

نیدلس و پاورز (۱۹۹۰)، هفده مدل دوره تحصیلی حسابداری معرفی شده در سال‌های ۱۹۶۴ و

۱۹۸۸ به وسیله هفت سازمان مختلف را بررسی می‌نمایند. تجزیه و تحلیل آن‌ها بر چهار موضوع از این مدل‌های دوره تحصیلی متمرکز می‌باشد که عبارتند از:

(۱) اهداف

(۲) الزامات آموزش عمومی

(۳) الزامات آموزشی تجاری

(۴) الزامات آموزشی حسابداری

آن‌ها نتیجه گرفتند که اهداف اکثر مدل‌ها تربیت فارغ التحصیلانی بوده که علاوه بر داشتن مهارت در مجموعه جامع دانش، دارای مهارت‌های مورد نیاز جهت شروع یک شغل حسابداری حرفه‌ای نیز باشند.

بجز مدل ارائه شده توسط انجمن حسابداران آمریکا، سایر مدل‌ها در ابتدا بر دوره‌ها و موضوعات خاصی که به عنوان الزامات دوره تحصیلی توسط فارغ التحصیلان حسابداری باید گذرانده شوند، تمرکز دارد. نیدلس و پاورز معتقدند که این تمرکز به این دلیل است که فرد با گذراندن مجموعه دوره‌های خاصی، جهت حرفه حسابداری آماده می‌گردد. اگر چه آن‌ها موضوع سازگاری این امر با نگرش هر سازمان از اهداف آموزش حسابداری را ارزیابی نمی‌نمایند، اما تمامی مدل‌های معرفی شده برای دوره تحصیلی بر نیاز به الزامات گسترده آموزش عمومی برای حسابداران توافق نظر دارند. نویسندگان، مهارت‌های ارتباطی را به عنوان یک مهارت آموزش عمومی که نیاز است تا سطوح بالایی توسعه داده شوند، می‌شناسند. اگر چه میان سازمان‌ها در مورد طبقه‌بندی دوره‌های آموزشی مهارت‌های ارتباطی، به عنوان زیر مجموعه آموزش تجاری یا عمومی دوره تحصیلی حسابداری، اتفاق نظری وجود ندارد.

آنان معتقدند که بخش آموزش عمومی دوره تحصیلی حسابداری به طور دقیق در آینده موشکافی خواهد شد، زیرا شواهد اخیر، آن را به عنوان بخش حیاتی آموزش حسابداری می‌شناسد. دلیل آن این است که آموزش دهندگان حسابداری نیاز دارند که مبادله بین بخش آموزش عمومی و تخصصی برنامه‌هایشان را بررسی نمایند.

پژوهش و جایگاه آن در آموزش و حرفه حسابداری

تحقیق در علوم اجتماعی و به خصوص در حسابداری درصدد خلاصه کردن مشاهدات در قالب

تعداد اندکی روابط کلیدی بین متغیرهاست، که به ما کمک می‌کند تا درکی از چگونگی کارکرد جهان پیرامون خود داشته باشیم. برای آزمودن تئوری‌های حسابداری، حسابداران پیرو اصالت تجربه مشاهدات زیادی را ثبت نموده و آنها را به صورت روابط آماری سیستماتیک بین متغیرها خلاصه می‌کنند. مقایسات افراد مختلف منجر به وجود آمدن مدل‌های مختلف می‌شود که البته تصمیم‌گیری با این انبوه مدل‌ها بسیار ناهمگن است (دمسکی و زیمرمن، ۲۰۰۰).

پژوهش در سازمان‌های آموزشی موقعیت ممتازی دارد. وظایف و مأموریت‌های دشوار و حساس آموزش و پرورش در پرتو فعالیت‌های پژوهشی تسهیل می‌شوند و امکان تحقق می‌یابند. در دنیای پیچیده کنونی تبیین، تحلیل و پیش‌بینی پدیده‌های آموزشی بدون بهره‌گیری از روش‌های منظم علمی دشوار و گاه غیر قابل انجام است. با این توصیف پژوهش به عنوان فعالیت ضروری در سازمان‌های آموزشی جایگاه خود را پیدا کرده است (ساکي، ۱۳۸۵).

بهبود کیفیت اطلاعات برای افراد و مجموعه تصمیم‌گیرندگان نیازمند پژوهش در مورد ساختارهای اندازه‌گیری استاندارد جایگزین است. دانشگاهیان نمی‌توانند این کار را بدون کمک حسابداران و دست‌اندرکاران حرفه انجام دهند و آن‌ها هم نمی‌توانند بدون کمک دانشگاهیان در اجرای پژوهش مناسب، دقیق و قابل اطمینان کاملاً موفق باشند.

در آموزش عالی نباید بین نقش تدریس و دانش پژوهی تعارضی وجود داشته باشد. تدریس، ایجاد و افزایش آگاهی و دانش از طریق دانش پژوهی است. کلمه پژوهش به راهکاری جستجوگرانه از طریق انواع فعالیت‌هایی که برای گسترش دانش در یک رشته طراحی شده است گفته می‌شود. اصطلاح دانش پژوهی مفهوم وسیع‌تری دارد و به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که درصدد ترکیب و استنتاج جدیدترین اطلاعات علمی در یک زمینه و سامان دادن آن به طریقی است که بتواند بینش‌های جدیدی را فراهم کرده و توان اعضای هیأت علمی را برای انتقال آن اطلاعات به دانشجویان افزایش دهد. با توجه به تمایزات فوق، مسئله دانش پژوه بودن همه مدرسان حائز اهمیت است. آن‌ها باید از کلیه پیشرفت‌های جدید در زمینه کاری خود مطلع باشند و این اطلاعات را پیوسته به منظور کمک به فراگیری دانشجویان در اختیار آنان قرار دهند. با وجود این، پژوهشگر بودن همه اعضای هیأت علمی ضرورت ندارد، زیرا مؤسسات کمی هستند که می‌توانند وسایل تحقیقات علمی مناسب را در جهت رسیدن به یافته‌های بیشتر در زمینه مورد پژوهش، فراهم آورند. همانگونه که جونز می‌گوید اصولاً در میان اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، تعداد نسبتاً اندکی قابلیت ارتقای دانش در

رشته خود را دارا هستند؛ چنانکه بسیاری از آنان پژوهش می‌کنند ولی فقط تعداد انگشت شماری از آن‌ها دستاوردهای پژوهشی معتبر و با اهمیتی ارائه می‌دهند (میری، ۱۳۷۵).

با توجه به موارد ذکر شده می‌توان چنین بیان نمود که در حرفه حسابداری علاوه بر لزوم توجه به آموزش، پژوهش نیز از نقش و جایگاه ویژه در حرفه برخوردار می‌باشد و این نقش والای پژوهش در حرفه حسابداری ضرورت توجه بیشتر به اهمیت، جایگاه و تقویت عوامل بهره‌وری پژوهش را ایجاب می‌نماید. دمسکی و زیمرمن (۲۰۰۰)، عوامل ضروری در بهره‌وری پژوهش را شامل موارد زیر می‌دانند:

۱. **زمان، انرژی و علاقه:** سرمایه‌ی انسانی حرفه‌ای، تصادفی نیست، بلکه نیاز به برنامه مداوم و الزامی دارد.

۲. **تکنولوژی در پایگاه داده‌ها:** تغییرات فناوری مثل پیشرفت سخت‌افزارها و همچنین منابع جدید داده‌ها، فرصت‌های جدیدی را برای پژوهش به وجود می‌آورند.

۳. **همکاران:** در تألیف و نگارش به دنبال شرکایی با مهارت‌های مکمل باشید. داشتن همکاری در خارج از منطقه عملیاتی خود، نه تنها باعث افزایش سرمایه انسانی می‌شود، بلکه شما را با عقاید تعصب‌آمیز موجود مواجه می‌کند.

۴. **آموزش:** همانطور که قبلاً گفته شد، پژوهش و آموزش مکمل یکدیگرند. یک معیار برای بهره‌وری پژوهش این است که ببینیم آیا ما و یا دیگران می‌توانیم این پژوهش را به عنوان بخشی از موضوع کلاس درس، یا تکلیف منزل و یا سؤال امتحانی مطرح کنیم؟

هاسل باک و همکاران (۲۰۰۰)، سه دسته الگو برای بهره‌وری پژوهش مطرح نموده‌اند:

۱. رتبه بندی کیفی مجلات حسابداری

۲. سنجش کمی بهره‌وری کلی و میانگین اساتید

۳. سنجش کمی بهره‌وری کلی و میانگین نسبت به دانشگاهی که فرد از آن جا مدرک دکترا گرفته است.

الگوها یا کمی هستند یا کیفی و نه هر دو. تا کنون هیچ مطالعه‌ای نتوانسته الگوهای کمی و کیفی را یکجا بررسی کند.

شرط لازم جهت مفید بودن یک تحقیق به ویژگی نوآوری و مربوط بودن نتایج تحقیق در حل مشکلات و نیازهای حرفه‌ای وابسته است. چنین یافته‌ای بیانگر اهمیت تبیین نیازها و اولویت‌های

تحقیقاتی جهت برنامه‌ریزی تحقیقات حسابداری در یک جامعه است (اعتمادی، ۱۳۸۳). ارزشمندی تحقیق بخصوص تحقیقات حسابداری با موفقیت در انتشار آن‌ها سنجیده می‌شود. در گزارش بنیاد کارنگی توصیه شده است که دوگانگی همیشگی بین پژوهش و تدریس و پژوهشگر و مدرس را می‌توان با دیدگاه جدیدی از دانش پژوهی که فعالیت‌های کشف، تلفیق، کاربرد و تدریس را به عنوان الگوی مناسبتری در فرایند آموزش عالی در برمی‌گیرد، برطرف کرد (میری، ۱۳۸۵).

وظایف و ماموریت‌های حساس آموزش در پرتو فعالیت‌های پژوهشی امکان تحقق می‌یابند. اگرچه پژوهش را نمی‌توان دارویی معجزه آسا برای درمان همه دردهای نظام آموزشی دانست، اما بدون تردید در شناسایی مسیرهای منتهی به حل بسیاری از دردها، فعالیتی ثمربخش محسوب می‌شود. از این رو می‌توان بخش پژوهش را بخش دیده‌بانی نظام آموزشی تلقی کرد که می‌کوشد با ایفای نقش پیش‌گیری، آموزش را در مقابل آسیب‌ها و بیماری‌ها محافظت نموده و با اعلام راهکارهای مقابله‌ای امکان حذف این عوامل از محیط آموزشی را فراهم نماید (ساکی، ۱۳۸۵).

در حسابداری نیز پژوهش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، اما بر اساس تحقیقات انجام شده در این حرفه تعامل موثر و سازنده‌ای بین تحقیقات، آموزش و حرفه حسابداری وجود ندارد. هر آنچه به عنوان تحقیق حسابداری نامیده می‌شود، در حرفه حسابداری و در توسعه و پیشرفت دانش حسابداری فاقد ارزش محسوب شده و یا ارزش ناچیزی دارد، در حالی که هدف تحقیقات حسابداری باید بهبود حرفه باشد (رهنمای رودپشتی و طاهر آبادی، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری:

وظیفه‌ی حسابداری به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی تهیه معیارهای سنجش مالی استاندارد، کاربرد معیارها در واحدهای تجاری خاص و سفارشی کردن اطلاعات است. با توجه به توسعه اقتصادی کشورها امروزه نیاز به حسابداری حرفه‌ای است که بتواند معیارهای مفیدی برای سنجش مالی ارائه نموده، این معیارها را به‌خوبی به‌کار برند و اطلاعات را به‌خوبی تجزیه و تحلیل کنند.

یک دانش آموخته ممتاز (توانمند) حسابداری در دنیای امروز نیازمند کسب دانش و یادگیری در هر دو زمینه استفاده از سیستم‌های حسابداری و نیز مدیریت این سیستم‌ها می‌باشد تا در هنگام تحولات و تغییرات سازمان قادر به حفظ و انجام نقش خود در سیستم باشد (عرب مازار یزدی، ۱۳۸۲).

بی‌شک اصلاح آموزش حسابداری برای برآوردن این نیاز ضروری است. به‌کارگیری ترکیب بهینه‌ای از دو فرایند پژوهش و تدریس به‌عنوان دوجزء اصلی فرایند آموزش حسابداری می‌تواند راهگشای ما در رسیدن به این مهم باشد. دانشگاه به‌عنوان متولی امر آموزش دو وظیفه خلق دانش و نشر دانش را بر عهده دارد. خلق دانش با پژوهش^۵ و نشر دانش از طریق تدریس^۶ امکان‌پذیر می‌شود. یکی از موضوعات مورد بحث در مجامع دانشگاهی، تقابل تدریس و پژوهش است. رویای بعضی از دانشگاه‌ها وضعیت بدون تدریس است؛ در مقابل برخی معتقدند، پژوهش دانشجویان در دانشگاه‌ها نامربوط است. به‌طور کلی آموزش و پژوهش مکمل یکدیگرند، نه جایگزین یکدیگر. پرداختن به یکی از آن‌ها نه تنها نیاز به دیگری را از بین نمی‌برد، بلکه ارزش دیگری را هم افزایش می‌دهد. تقریباً تمام دانشگاه‌های پیش‌تاز به هر دو مقوله آموزش و پژوهش توجه دارند. موفقیت بلندمدت دانشگاه‌ها بستگی به توانایی آنان در طراحی برنامه‌های درسی و پژوهشی دارد، به طوری که ذخیره انسانی فعلی و آتی دانشگاه‌ها را بهینه و متعادل نماید.

به نظر می‌رسد طرح این ادعا که پژوهش‌های مورد استفاده در آموزش یک دامنه مختص خود را می‌طلبد، بیش از اندازه محدود کننده باشد. از سوی دیگر شاید جالب‌ترین پیشرفت‌ها در فصل مشترک میان دو و یا چند رشته علمی حاصل شده باشد، لذا باید توجه به نیازهای آموزش در انتخاب رویه‌ها و مسیر پژوهش، تعیین اولویت‌های آموزش شامل نیازهای اجتماعی، اقتصادی، عدالت اجتماعی، نیازهای حرفه‌ای، پیشرفت‌های در حوزه پژوهش، فاصله‌ها و شکاف‌های مهم در امر آموزش و پژوهش و کمک‌های بین رشته‌ای، پژوهش‌ها را برنامه‌ریزی و هدایت نمود؛ به طوری که رویکردهای پژوهش در آموزش بر استفاده از راهبردهای یادگیری، ارتقای سطح آموزش و در نهایت بهبود کیفیت و توانمندی حرفه در امر تولید بهینه محصولات خود (تولید و گزارش اطلاعات مالی) به‌عنوان اهرم اثربخش در افزایش کیفیت مدیریت جامعه و توسعه اقتصادی پایدار موثر واقع گردد.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Accounting Education
- 2- trustworthiness
- 3- customization
- 4- Financial measurement
- 5- Research

- 6- Teaching
 7- Assistant Professor of Accounting Shiraz University
 8- MA Student Shiraz University

منابع و ماخذ:

۱. اعتمادی، حسین و حسین فخاری، بهار ۱۳۸۳ «تبیین نیازها و اولویت‌های تحقیقاتی حسابداری ارائه‌ی الگویی جهت همسویی تحقیقات، آموزش و عمل»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۳۵، صص ۲۷-۳.
۲. باباجانی، جعفر و امیر پوریان‌سب، ۱۳۸۳ «در باب چارچوب مفهومی مبتنی بر مسئولیت پاسخگویی»، تألیف یوجی، ایجیری [، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۳، صص ۱۷۱-۱۵۵.
۳. ساکی، رضا، بهار ۱۳۸۵ «پژوهش‌های آموزشی و چالش‌های فراوری»، فصلنامه تعلیم و تربیت.
۴. عرب‌مازار یزدی، محمد و حسین طایفی نصرآبادی، مرداد ۱۳۸۷ «بازنگری در آموزش مفاهیم فناوری اطلاعات و سیستم‌ها در دوره‌های آموزشی حسابداری»، ماهنامه حسابدار، شماره ۱۹۷، ص ۷۲.
۵. عرب‌مازار یزدی، ۱۳۸۲ «تحول در آموزش حسابداری: ضرورت یک رویکرد استراتژیک»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، سال سوم، شماره هشتم.
۶. رهنمای رودپشتی، علی و علی اصغر طاهرآبادی، ۱۳۸۹ «مشکلات تعامل بین تحقیقات، آموزش و حرفه حسابداری و ارائه یک الگوی جدید»، دانش و پژوهش حسابداری، سال ششم، شماره بیست و یکم.
۷. میلر، دلبیو. آر و میلر، ماری، ۱۳۸۵ «راهنمای تدریس در دانشگاه‌ها»، ترجمه ویدا امیری، تهران، چاپ سوم.
۸. مهدوی، غلامحسین و مصطفی کاظم نژاد، ۱۳۸۸ «استفاده از قانون بن فورد در حسابرسی مستمر»، دانش و پژوهش حسابداری، سال پنجم، شماره نوزدهم.
9. Albrech, W. S & Sack, R.J (2000). «Accounting education: charting the course through a perilous future», American Accounting Association, Vol. 16.
10. Demski, J. S., Zimmerman, L. (2000). On "Research vs. Teaching": A Long-Term Perspective. Accounting Horizons, September, 343-352.
11. Hasselback, J. R., Rrinstein, A., Schwan, E. S. (2000). Benchmarks for Evaluating the Research of Accounting Faculty. Journal of Accounting Education, June, 79-97.
12. Needles, B. Jr and Marian Powers. (1990). A Comparative Study of Models for Accounting Education. Issues In Accounting Education, Vol.6 No.2, Fall 1990
13. Kinney, William, R.J. (2001). Accounting Scholarship: What Is Uniquely Ours? The Accounting Review, April, 275-284
14. Previts, G. J. (1991). Accounting Education: The Next Horizon. Journal of Accountancy, October, 35-36.
15. Romney, M. B. and P. J., Steinbart, Accounting Information System, printic Hall, 11/E, 2009.
16. Z. Jun Lin, Xiaoyan Xiong, and Min Liu (2005), "Knowledge base and skill development in Accounting education: Evidence from china", Journal of Accounting education.